

۲۶۴ - ای دوستان جانی عبدالبهاء

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



۲۶۴ - ای دوستان جانی عبدالبهاء

ای دوستان جانی عبدالبهاء، جناب زائر، نوش پرهوش در مطاف سروش سر به آستان نهاد و دوستان را یک یک بخاطر آورد و به جان و دل تضرع به درگاه احدیت نمود که کل را بآنچه امروز لایق و سزاوار است موفق فرماید و در نزد این بنده درگاه الهی نیز یاد شما نمود و خواهش تحریر این سطور کرد تا سبب انشراح صدور گردد.

باری ای یاران الهی، فارسیان هزار و سیصد سال در زیر بار گران بودند گاهی اسیر زنجیر گشتند و گهی آواره کشور بعید شدند گهی در نهایت ذل و هوان بزدان افتادند و گهی بی سر و سامان و دور از خانمان شدند هر جفائی تحمل نمودند و هر عذابی را اصطبار کردند تا آنکه تاریکی ذلت و خواری منتهی شد و پرتو عزت ابدی از مطلع آمال طلوع نمود. حال خداوند مهربان را اراده چنان که آن ذلت و خواری هزار ساله را به عزت و بزرگواری تبدیل نماید و تلافی مافات شود نظر عنایت شامل شد و فضل و رحمت کامل، آن حزب آواره بلحاظ رحمانیت منظور گشت و حقیقت موهبت تجسم نمود. پس باید یاران فارسی بدرستی و راستی چنان در میان خلق بخدمت حق برخیزند که از جام لبریز محبت الله جمیع خلق نشئه انگیز گردند و برائحه معطره معرفت الله آن آفاق را مشکبیز نمایند اساس پند آسمانی بنهند و تعالیم یزدانی بدهند و به روش و سلوک رحمانی قیام کنند و در کمال شور و وله و شوق و شعف و وجد و طرب شب و روز نعره یا بشری و یا طوبی بلند کنند که الحمد لله افق ایران مطلع شمس حقیقت شد و کشور فارسیان روشن گردید. هر چند مدتی بود که چراغ خاموش شده بود الحمد لله مهر جهان افروز طلوع و سطوع فرمود و هر چند آب چشمه فرورفته بود ولی ستایش خداوند را که دریا بجوش آمد. عجب در اینست که فارسیان آواره در آن نگاره هنوز در خوابند و بیدار نگشتند و هشیار نشدند.



ORIGINAL



AUDIO

عنقریب شرق و غرب نعره یا بهاء الابهی بلند کند و جمیع اقالیم کشور ایران را تقدیس نماید و جمیع امم فارسیان را تجید کنند زیرا شمس حقیقت از آن افق درخشید و ندای الهی از آن اقلیم بلند شد زهی عزّت جاوید از برای آن بوم و بر و زهی سعادت شدید از برای اهل آن دیار اگر قدر بدانند و سمند همّت در این میدان برانند. چه بسیار که دولت پایدار بدر خانه آید و در بکوبد ولی صاحب خانه از نادانی آن مهمان را برانند. ای کاش فارسیان قدیم هندوستان سر از بالین غفلت بر میداشتند و این ایّام را غنیمت میشمردند و آنچه سزاوار این روزگار است مجری میداشتند پس ملاحظه مینمودند که وقت شادمانی است و هنگام کامرانی و عصر نورانی حضرت یزدانی و علیکم التّحیّة و التّناء.

